

کتابِ دانیال - ایک سو اکیاسیواں

فریادِ نیم شب و نقشِ نبوی روم: آشکار سازی ایامِ آخر در کتابِ دانیال

Jeff Pippenger

2024-04-11

در باب یازدهم دانیال، چندین سطر نبوت وجود دارد که ہمگی با شش آیه پایانی آن باب منطبق اند. بخشی که با تاریخ آیه چهل، از زمان آخر در سال ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه آیه چهل و یک، انطباق دارد، همان بخشی از نبوت است که تا ایام آخر مختوم شده بود. این، متمم دانیال از مکاشفہ عیسی مسیح است که اندکی پیش از بسته شدن مهلت فیض گشوده می شود. آیه دو، ترامپ را معرفی می کند؛ آخرین رئیس جمهور جمهوری خواه، آخرین رئیس جمهور، آن رئیس جمهوری که هشتم است و از آن هفت می باشد؛ و او ثروتمندترین رئیس جمهوری است که هنگامی که در سال ۲۰۱۵ نامزدی خود را اعلام کرد، آغاز به برانگیختن جهانی گرایان نمود. آیه ده، سال ۱۹۸۹ را مشخص می سازد، و آیات یازده و دوازده، جنگ اوکراین را که در سال ۲۰۱۴ آغاز شد، با پیروزی پوتین و سپس زوال او، مشخص می کنند.

آیات سیزده تا پانزده، سومین نبرد از سه نبرد آیه چهل را توصیف می کنند؛ نبردی که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ آغاز می شود، سپس جنگ اوکراین را در پی دارد، و پس از آن نبرد پانیوم می آید که نمایانگر کشمکش بیرونی پروتستانیسم مرتد در ایالات متحده علیه جهانی گرایان جهان است.

پروتستانیسم مرتد غلبه می یابد و رابطه سلسله مراتبی اتحاد سه گانه ای را برقرار می سازد که در قانون یکشنبه قریب الوقوع به اجرا در خواهد آمد. وحش، کاتولیسیسم است، و او سر آن سه قدرت است که در قالب ایزابل و انیوهی از نمادهای دیگر به تصویر کشیده شده است. او همان فاحشه ای است که بر وحش سلطنت می کند و بر آن سوار است.

پیامبر کاذب، ایالات متحده است که به وسیله شوهرش آخاب نمایانده می شود؛ همان که سر پادشاهی ده گانه اژدهاست. نبرد پانیوم در سال ۲۰۰ پیش از میلاد، کشاکش بیرونی میان جهانی گرایی و پروتستانیسم مرتد را به صورت نمادین مجسم می سازد. کشاکش درونی با شورش سال ۱۶۷ پیش از میلاد نمایانده شده است، که سپس با تجدید تقدیس معبد، آن گونه که در حنوکا در سال ۱۶۴ پیش از میلاد گرامی داشته می شود، دنبال شد؛ و آن نیز به نوبه خود با دوره ای از ۱۶۱ پیش از میلاد تا ۱۵۸ پیش از میلاد دنبال گردید، که نماد آن است که ایالات متحده تمثالی از اتحاد کلیسا و دولت کاتولیسیسم را، چنان که به وسیله «اتحاد» نمایانده می شود، برپا می سازد.

در آیه سیزدهم، اوریا اسمیت به ما اطلاع می دهد که چهارده سال پس از نبرد رافیا، بطلمیوس بر اثر «افراط و عیاشی» درگذشت، و پسرش، بطلمیوس اپیفانیس، که در آن هنگام کودکی چهار یا پنج ساله بود، جانشین او شد. «آنتیوخوس نیز در همان زمان، پس از آنکه شورش را در پادشاهی خود فرونشانیده، و نواحی شرقی را مطیع ساخته و استقرار بخشیده بود، هنگامی که اپیفانیس جوان بر تخت مصر نشست، برای هر اقدامی فراغت داشت.» پس از آنکه پیروزی کوتاه مدت پوتین به پایان رسد، ترامپ آماده خواهد بود تا با پادشاه جدید و کودک مصر روبه رو شود. پیش از آنکه چنین کند، او «شورش را» در داخل ایالات متحده فرونشانیده خواهد بود.

جب ترامپ انتخاب ہو جائے گا، تو وہ ایسے قوانین نافذ کرے گا جن کی تمثیل 1798 کے ایلین اینڈ سیڈیشن ایکٹس میں پائی جاتی ہے، ساتھ ہی "ہیبیس کارپس" کو معطل کرے گا، جیسا کہ پہلی ریپبلکن صدر نے خانہ جنگی کے جواب میں کیا تھا۔ اس کے اقدامات کی تمثیل صدر گرانٹ کے ان

اقدامات سے بھی کی گئی ہے جب اس نے کو کلوکس کلان سے نمٹا، اور ایف۔ ڈی۔ روزویلٹ کے ان اقدامات سے بھی، جب اس نے دوسری جنگ عظیم میں جاپانیوں اور دوسروں کو قید کیا، نیز جارج بش آخر کے پیٹریاٹ ایکٹ سے بھی۔

او، همان گونہ کہ در مورد سلوکوس بود، شورش را در ایالات متحده فرونشاند و سپس چشمان خود را به سوی «شاه کودک» مصر معطوف خواهد کرد. بدین سان، با فیلیپ مقدونی اتحادی برقرار خواهد ساخت، زیرا اسمیت ثبت می کند: «در همان زمان، فیلیپ، پادشاه مقدونیه، با آنتیوخوس پیمانی بست تا قلمروهای بطلمیوس را میان خود تقسیم کنند، و هر یک بر آن بود که بخش هایی را که به او نزدیک تر و مناسب تر بود، تصرف کند. در این جا قیامی علیه پادشاه جنوب پدید آمد که برای تحقق نبوت کافی بود، و بی گمان همان رویدادهایی بود که نبوت در نظر داشت.»

ترامپ اتحادی استوار با ملت های ناتو (سازمان ملل متحد) تشکیل خواهد داد تا به مسئله روسیه و پیچیدگی های حل و فصل پیامدهای فروپاشی پوتین بپردازد. در آن زمان، بنا بر آیه چهاردهم و تفسیر اسمیت، «قدرتی جدید معرفی می شود.» پایت برای حمایت از روسیه و اقمار آن در برابر اقتدار ناتو و ایالات متحده میانجی گری خواهد کرد؛ یا چنان که تفسیر اسمیت نقل می کند: «روم سخن گفت؛ و سوریه و مقدونیه به زودی دریافتند که تغییری بر سیمای رؤیای ایشان عارض می شود. رومیان به سود پادشاه جوان مصر مداخله کردند و مصمم بودند که او را از نابودی ای که آنتیوخوس و فیلیپ تدارک دیده بودند، محفوظ بدارند. این در سال ۲۰۰ پیش از میلاد بود، و یکی از نخستین مداخلات مهم رومیان در امور سوریه و مصر به شمار می رفت.»

روم، فاحشه صور، آنگاه آغاز می کند به سرودن نغمه های خود و با پادشاهان زمین زنا ورزیدن، پیش از آنکه همان پادشاهان تنها دو آیه بعد به اطاعت کامل از او درآیند. در همان زمان، نبرد پانیوم نیز رخ داد. سال ۲۰۰ پیش از میلاد نشانگر آغاز سرودن فاحشه صور است، و او این کار را در ارتباط با حمایت از روسیه انجام می دهد؛ همان کشوری که ایالات متحده و سازمان ملل متحد به تازگی توافق کرده اند آن را برای منفعت متقابل خود تقسیم کنند. فاحشه بر هر دوی ایشان غالب می آید، اما سپس «نبرد» پانیوم روی می دهد و ایالات متحده بر سازمان ملل متحد چیره می شود.

به طور نمادین، سی و سه سال بعد، شورش مدعین در ایالات متحده آغاز می شود. به طور نمادین، سه سال پس از آن، تجدید تقدیس آنچه «پروتستانتیسم» و یک جمهوری قانون اساسی خوانده می شود، همان گونه که به وسیله حنوکا نمایان شده است، برقرار می گردد. به طور نمادین، سه سال پس از آن، دوره ای که با پیمان یهودیان با روم نمایان می شود، آغاز می گردد.

حرکات نهایی، حرکاتی سریع خواهند بود؛ از این رو، تاریخی که در آیات با چهل و هشت سال نمایش داده شده است، توصیف گر سلسله ای از رویدادهای سریع است که نبوت به طور مشخص آغاز آن را در زمان آخر، در سال ۱۹۸۹، معین کرده است؛ سپس نبرد دوم آیات یازده و دوازده در سال ۲۰۱۴ رخ می دهد؛ و پس از آن سال ۲۰۱۵ می آید، هنگامی که ترامپ نامزدی خود را برای ریاست جمهوری اعلام کرد، و بدین سان کار نبوی او برای برانگیختن جهانی گرایی آغاز شد. هنگامی که ترامپ کار سرکوب جنگ داخلی ای را که هم اکنون در جریان است آغاز کند، خواهد کوشید با سازمان ملل متحد (ناتو—فیلیپ مقدونی) اتحادی برقرار سازد، و روم آغاز به سرودن خواهد کرد. این اتحاد نافرجام به کشمکش برای برتری میان آن دو نیرو بدل می شود؛ کشمکشی که در نبرد پانیوم به تصویر کشیده شده است.

پس پانیوم آیت سیزدهم کی وه علامت راه ہے، جہاں اتوار کے قانون سے پیش تر واقع ہونے والی آخری تیز رفتار حرکات آغاز پاتی ہیں۔ تمام انبیاء نے اُس زمانے کی نسبت، جس میں وہ زندہ تھے، دنیا کے اختتام کے بارے میں زیادہ کلام کیا، اور یقیناً یسوع سب انبیاء میں اعظم تھے۔ صلیب سے ذرا پہلے، جو اتوار کے

قانون کی مثالی علامت ہے، اور جس کی نمائندگی آیت سولہ کرتی ہے، یسوع اپنے شاگردوں کے ساتھ پانیوم کے سفر پر گئے۔ وہاں اُن کا قیام، اور وہ اسباق جو انہوں نے وہاں پیش کیے، جلد آنے والی جنگ پانیوم کے ساتھ ہم آہنگ ہیں۔ پوری تاریخ میں پانیوم کے کئی نام رہے ہیں، اور مسیح کے زمانے میں پانیوم کا نام قیصریہ فلیی تھا۔

«عیسیٰ و شاگردانش اکنون به یکی از شهرهای پیرامون قیصریہ فیلیپی آمدہ بودند۔ آنان از حدود جلیل فراتر رفته بودند، در ناحیہ‌ای کہ بت‌پرستی در آن غلبہ داشت۔ در اینجا شاگردان از نفوذ مہارکنندہ یہودیت دور نگہ داشتہ شدند و بہ تماس نزدیک‌تر با پرستش بت‌پرستانہ آوردہ شدند۔ در اطراف آنان، گونہ‌های خرافہ‌ای نمایان بود کہ در ہمہ بخش‌های جہان وجود داشت۔ عیسیٰ می‌خواست کہ مشاہدہٗ این امور آنان را بہ احساس مسئولیتشان در قبال امت‌های بت‌پرست رهنمون سازد۔ او در مدت اقامت خود در این ناحیہ، می‌کوشید از تعلیم دادن بہ مردم کنارہ گیرد و خود را بہ گونہ‌ای کامل‌تر وقف شاگردانش سازد.»

«او می‌خواست از رنجی کہ در انتظارش بود بہ ایشان بگوید۔ اما نخست تنها بہ کناری رفت و دعا کرد تا دل‌های آنان برای پذیرفتن سخنان او آمادہ گردد۔ چون بہ ایشان پیوست، بی‌درنگ آنچه را کہ می‌خواست ابلاغ کند با آنان در میان نہاد۔ پیش از آن، بہ آنان فرصت داد تا ایمان خود را بہ او اقرار کنند، تا برای آزمایش پیش رو استوار گردند۔ او پرسید: "مردم مرا کہ پسر انسانم، چہ کسی می‌دانند؟"»

با اندوہ، شاگردان ناگزیر شدند اذعان کنند کہ اسرائیل در شناختن مسیح خود ناکام ماندہ است۔ برخی، بہ راستی، ہنگامی کہ معجزات او را دیدند، او را پسر داوود خواندہ بودند۔ انبوہ مردمانی کہ در بیت صیدا خوراک یافتہ بودند، خواستہ بودند او را پادشاہ اسرائیل اعلام کنند۔ بسیاری آمادہ بودند او را بہ عنوان نبی بپذیرند؛ اما ایمان نہداشتند کہ او همان مسیح باشد۔

«عیسیٰ اکنون پرسش دومی مطرح کرد کہ بہ خود شاگردان مربوط می‌شد: «اما شما مرا کہ می‌دانید؟» پطرس پاسخ داد: «تو مسیح، پسر خدای زندہ هستی.»»

«:»սկզբից իսկ հավատացել էր, որ Հիսուսը Մեսիան է: Շատ ուրիշներ ևս, մեջ:» որոնք համոզվել էին Հովհաննես Մկրտչի քարոզչությամբ և ընդունել էին Քրիստոսին, սկսեցին կասկածել Հովհաննեսի առաքելության վերաբերյալ, երբ նա բանտարկվեց և մահվան մատնվեց, և այժմ նրանք կասկածում էին, թե արդյոք Հիսուսն է այն Մեսիան, որին այդքան երկար սպասել էին: Աշակերտներից շատերը, որոնք բուն ակնկալությամբ սպասում էին, թե Հիսուսը պիտի զբաղեցնի իր տեղը Դավթի գահի վրա, թողեցին Նրան, երբ տեսան, որ նա նման մտադրություն չունի: Սակայն Պետրոսը և նրա ընկերները չչեղվեցին իրենց հավատարմությունից: Նրանց հավատը, ովքեր երեկ գովաբանում էին, իսկ այսօր դատապարտում, չկործանեց Փրկչի ճշմարիտ հետևորդի հավատը: Պետրոսը հայտարարեց. «Դու ես Քրիստոսը՝ կենդանի Աստծո Որդին»: Նա չսպասեց, որ թագավորական պատիվները պսակեն իր Տիրոջը, այլ ընդունեց Նրան իր խոնարհացման մեջ:»

«پطرس ایمان آن دوازده تن را بیان کرده بود۔ با این ہمہ، شاگردان هنوز از درک مأموریت مسیح بسیار دور بودند۔ مخالفت و بدنمایی کاهنان و حاکمان، هرچند نمی‌توانست آنان را از مسیح برگرداند، با این حال ایشان را بہ شدت دچار حیرت و سردرگمی می‌ساخت۔ آنان راہ خود را بہ روشنی نمی‌دیدند۔ تأثیر تربیت نخستین ایشان، تعلیم ربیان، و نیروی سنت، هنوز دید آنان را نسبت بہ حقیقت سد می‌کرد۔ گہگاہ پرتوهای گران‌بہای نور از سوی عیسیٰ بر آنان می‌تابید، اما

آنان غالباً چون مردمانی بودند که در میان سایه‌ها دست به جست‌وجو می‌برند. اما در این روز، پیش از آنکه رو در روی آزمون بزرگ ایمان خود قرار گیرند، روح‌القدس با قدرت بر ایشان قرار گرفت. برای زمانی کوتاه، چشمان ایشان از «چیزهای دیدنی» برگردانده شد تا «چیزهای نادیدنی» را بنگرند. 2 Corinthians 4:18. آنان در پس حجاب بشریت، جلال پسر خدا را تشخیص دادند.

عیسی^۱ نے پطرس کو جواب دیتے ہوئے فرمایا: "مبارک ہے تو، اے شمعون ابن یونا، کیونکہ یہ بات تجھ پر گوشت اور خون نے ظاہر نہیں کی، بلکہ میرے باپ نے جو آسمان پر ہے۔"

«حقیقتی که پطرس بدان اقرار کرده بود، بنیاد ایمان ایماندار است. این همان چیزی است که خود مسیح آن را حیات جاودانی اعلام کرده است. اما برخورداری از این معرفت، هیچ مجالی برای خودستایی فراهم نمی‌کرد. این معرفت نه به واسطه حکمت یا نیکویی خود او، بلکه به پطرس مکشوف شده بود. انسان هرگز نمی‌تواند از خود، به معرفت الهی دست یابد. «به بلندی آسمان‌هاست؛ چه می‌توانی کرد؟ از هاویه عمیق‌تر است؛ چه می‌توانی دانست؟» ایوب 11:8. تنها روح فرزندانگی می‌تواند امور عمیق خدا را بر ما آشکار سازد، اموری که «نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به دل انسان خطور کرده است.» «اما خدا آن‌ها را به واسطه روح خود بر ما مکشوف ساخته است، زیرا روح همه‌چیز، حتی امور عمیق خدا را نیز تفحص می‌کند.» اول قرنتیان 2:9، 10. «راز خداوند با ترسندگان اوست؛» و این واقعیت که پطرس جلال مسیح را تشخیص داد، گواهی بود بر اینکه او «از خدا تعلیم یافته» بود. مزمور 25:14؛ یوحنا 6:45. آری، به راستی، «خوشا به حال تو، ای شمعون بن یونا، زیرا جسم و خون این را بر تو مکشوف نساخته است.»

«عیسی ادامه داد: "و من نیز تو را می‌گویم که تو پطرس هستی، و بر این صخره کلیسای خود را بنا خواهم کرد؛ و دروازه‌های هاویه بر آن استیلا نخواهد یافت." واژه پطرس به معنای سنگی است،—سنگی غلتان. پطرس آن صخره‌ای نبود که کلیسا بر آن بنیان نهاده شده باشد. آنگاه که با لعن و سوگند خداوند خود را انکار کرد، دروازه‌های هاویه بر او چیره شدند. کلیسا بر آن یگانه‌ای بنا شد که دروازه‌های هاویه بر او نمی‌توانست چیره گردد.»

«سده‌ها پیش از ظهور نجات‌دهنده، موسی به صخره نجات اسرائیل اشاره کرده بود. مزمور نویس از «صخره قوت من» سروده بود. اشعیا نوشته بود: «بنابرین خداوند یهوه چنین می‌گوید: اینک من در صهیون سنگی را برای بنیاد می‌نهم، سنگی آزموده، سنگ زاویه‌ای گران‌بها، بنیادی استوار.» تثنیه ۳۲:۴؛ مزمور ۶۲:۷؛ اشعیا ۲۸:۱۶. خود پطرس نیز، در حال نوشتن به الهام، این نبوت را بر عیسی تطبیق می‌دهد. او می‌گوید: «اگر چشیده‌اید که خداوند مهربان است: نزد او می‌آیید، آن سنگ زنده را که هرچند از سوی آدمیان رد شد، نزد خدا برگزیده و گران‌بهاست، و شما نیز همچون سنگ‌های زنده، به صورت خانه‌ای روحانی بنا می‌شوید.» ۱ پطرس ۲:۳-۵، R.V. «

«زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند بنیادی جز آنچه نهاده شده است بگذارد، که آن عیسی مسیح است.» اول قرنتیان ۳:۱۱. عیسی فرمود: «بر این صخره کلیسای خود را بنا خواهم کرد.» مسیح در حضور خدا و جمیع موجودات عاقل آسمانی، و در حضور سپاه نادیدنی جهنم، کلیسای خود را بر صخره زنده بنیاد نهاد. آن صخره خود اوست—جسد خود او که برای ما شکسته و کوفته شد. بر کلیسایی که بر این بنیاد بنا شده است، دروازه‌های جهنم استیلا نخواهد یافت.

کلیسا در زمانی که مسیح این سخنان را بر زبان آورد، چه اندازه ناتوان می‌نمود! تنها مشتی اندک از ایمانداران بودند که تمامی قدرت دیوان و انسان‌های شریر بر ضد ایشان بسیج می‌شد؛ با این همه، پیروان مسیح نمی‌بایست بترسند. چون بر صخره قوت خویش بنا شده بودند، نمی‌توانستند مغلوب گردند.

«شَپَر زره کاله دي چپ ایمان پر مسیح بنا شوی دی. شَپَر زره کاله دي چپ د شیطاني غضب سېلابونه او توپانونه زموږ د نجات پر ډبره راپرېوتې دي؛ خو هغه لا هم نه دی خوځېدلی.»

«پطرس آن حقیقتی را بیان کرده بود که بنیاد ایمان کلیساست، و عیسی اکنون او را به عنوان نماینده تمام جماعت ایمانداران گرامی داشت. او گفت: «کلیدهای ملکوت آسمان را به تو خواهم سپرد؛ و آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد؛ و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد.»»

«کلیدهای ملکوت آسمان» همان سخنان مسیح است. تمامی کلمات کتاب مقدس مقدس از آن اوست و در اینجا دربرگرفته شده است. این کلمات قدرت دارند که آسمان را بگشایند و ببندند. آن‌ها شرایطی را اعلام می‌کنند که بر اساس آن، انسان‌ها پذیرفته یا رد می‌شوند. از این رو، کار کسانی که کلام خدا را موعظه می‌کنند، یا بوی حیات برای حیات است یا بوی مرگ برای مرگ. مأموریت آنان رسالتی است آکنده از نتایج ابدی.

نجات‌دهنده کار انجیل را به طور فردی به پطرس نسپرد. او در زمانی بعد، با تکرار سخنانی که به پطرس گفته شده بود، آن‌ها را مستقیماً بر کلیسا اطلاق کرد. و همین معنا نیز به دوازده تن، به عنوان نمایندگان جماعت ایمانداران، گفته شد. اگر عیسی هرگونه اقتدار ویژه‌ای را به یکی از شاگردان، برتر از دیگران، واگذار کرده بود، آنان را این همه در حال مجادله درباره اینکه چه کسی بزرگتر است نمی‌یافتیم. ایشان در برابر خواست استاد خود تسلیم می‌شدند و آن کسی را که او برگزیده بود، حرمت می‌نهادند.

«به جای آن که کسی را به عنوان سر خود منصوب کنند، مسیح به شاگردان فرمود: "شما را ربی خوانند؛" و نیز شما را استاد خوانند، زیرا استاد شما یکی است، یعنی مسیح." متی ۲۳:۸، ۱۰.»

«سر هر مرد، مسیح است.» خدا که همه چیز را زیر پای‌های نجات‌دهنده نهاد، «او را سر همه چیز به کلیسا داد، که بدن اوست، پری او که همه را در همه پر می‌سازد.» 1 Corinthians 11:3. Ephesians 1:22, 23 کلیسا بر مسیح همچون بنیاد خویش بنا شده است؛ و باید از مسیح همچون سر خود اطاعت کند. نباید بر انسان تکیه نماید یا به وسیله انسان اداره شود. بسیاری ادعا می‌کنند که مقام امانت و مسئولیتی در کلیسا به ایشان اقتدار می‌بخشد تا تعیین کنند دیگران چه باید باور کنند و چه باید انجام دهند. خدا این ادعا را تأیید نمی‌کند. نجات‌دهنده اعلام می‌دارد: «همه شما برادرید.» همه در معرض وسوسه‌اند و مستعد خطا. برای هدایت، بر هیچ موجود فانی‌ای نمی‌توان تکیه کرد. صخره ایمان، حضور زنده مسیح در کلیساست. ضعیف‌ترین افراد می‌توانند بر این تکیه کنند، و آنان که خود را نیرومندترین می‌پندارند، اگر مسیح را کارآیی خویش نسازند، ضعیف‌ترین ثابت خواهند شد. «ملعون است انسانی که بر انسان توکل می‌کند و بشر را بازوی خود می‌سازد.» خداوند «صخره است و کار او کامل.» «خوشا به حال همه آنان که بر او توکل دارند.» Jeremiah 17:5; Deuteronomy 32:4; Psalm 2:12.

«پس از اعتراف پطرس، عیسی به شاگردان فرمان داد که به هیچ کس نگویند که او مسیح است. این فرمان از آن رو داده شد که مخالفت کاتبان و فریسیان قاطع و استوار بود. افزون بر این، مردم، و حتی خود شاگردان، تصویری چنان نادرست از مسیحا داشتند که اعلام علنی او هیچ تصور درستی از شخصیت یا کار او به ایشان نمی‌داد. اما او روز به روز خویشتن را به آنان همچون نجات‌دهنده آشکار می‌ساخت، و بدین سان می‌خواست ادراکی درست از خود به عنوان مسیحا به ایشان ببخشد.»

شاگردان هنوز انتظار داشتند که مسیح همچون شهریار دنیوی سلطنت کند. یا آنکه او مدت‌ها مقصود خود را پنهان نگاه داشته بود، آنان بر این باور بودند که او همیشه در فقر و گمنامی باقی نخواهد ماند؛ زمان آن نزدیک بود که پادشاهی خود را برقرار سازد. اینکه نفرت کاهنان و ربیان هرگز مغلوب نخواهد شد، اینکه مسیح از سوی قوم خود رد خواهد شد، به عنوان فریبکاری محکوم خواهد گشت، و همچون تبهکاری مصلوب خواهد شد—چنین اندیشه‌ای هرگز به ذهن شاگردان

راه نیافته بود. اما ساعتِ قدرتِ ظلمت در حال فرارسیدن بود، و عیسی می‌بایست نبردی را که پیش رویشان بود بر شاگردان خود آشکار سازد. او از آن رو که محاکمه را پیشاپیش می‌دید، اندوهگین بود.» آرزوی اعصار، ۴۱۱-۴۱۵.

آیه شانزدهم دانیال یازده، بیانگر قانون یک‌شنبه‌ای است که به‌زودی در ایالات متحده برقرار خواهد شد. درست پیش از ساعت آن «زلزله»، نامزدهایی که می‌کوشند در شمار یکصد و چهل و چهار هزار تن باشند، از خواب خود بیدار می‌شوند. آنچه ایشان را بیدار می‌سازد، پیامی نبوی است. در آن نقطه، دو طبقه آشکار می‌گردند، و چنان‌که در مثل ده باکره به تصویر کشیده شده است، یک طبقه در ظرف‌های خود روغن دارد و طبقه دیگر ندارد. آیات سیزده تا پانزدهم دانیال یازده، نه‌تنها تاریخ نبوی پیش از قانون یک‌شنبه را نمایندگی می‌کنند، بلکه «پیام» را نیز نمایندگی می‌کنند؛ پیامی که، در چارچوب مثل ده باکره، همان «روغن» است که خردمندان آن را خواهند داشت تا مهر خدا را دریافت کنند و در ساعت زلزله عظیم همچون علمی برافراشته شوند. این مقالات اکنون به اوج همه مقالات رسیده‌اند، زیرا پیامی که در این آیات نمایانده شده است، همان روغن طلایی است که از طریق دو لوله طلایی فرو ریخته می‌شود.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«تا زمانی که کسانی که به حق اعتراف می‌کنند در خدمت شیطان باشند، سایه دوزخی او دید آنان را از خدا و آسمان خواهد برید. ایشان همچون کسانی خواهند بود که محبت نخستین خود را از دست داده‌اند. آنان نمی‌توانند واقعیات ابدی را مشاهده کنند. آنچه خدا برای ما مهیا ساخته است، در زکریا، باب‌های ۳ و ۴، و ۱۲:۴-۱۴، چنین به تصویر کشیده شده است: "و بار دیگر پاسخ داده، به او گفتم، این دو شاخه زیتون که از طریق دو لوله زرین، روغن زرین را از خود جاری می‌سازند، چیست؟ و او در جواب من گفت، آیا نمی‌دانی که اینها چیستند؟ و من گفتم، نه، ای آقای من. آنگاه گفت، اینها آن دو مسح‌شده‌اند که در حضور خداوند تمامی زمین می‌ایستند."»

«خداوند مملو از منابع است. او هیچ کمبودی در وسایل ندارد. این به سبب کمبود ایمان ما، نیازدگی ما، سخنان سست و سبک ما، و بی‌ایمانی ماست که در گفتار ما آشکار می‌شود، که سایه‌های تاریک بر گرد ما فراهم می‌آیند. مسیح در کلام یا در سیرت، به‌عنوان آن که سراسر دل‌انگیز است و ممتازتر از ده‌هزار، آشکار نمی‌گردد. هنگامی که جان خرسند است که خود را به سوی بطالت برکشد، روح خداوند برای آن اندک می‌تواند کرد. دید کوتاه‌بین ما سایه را می‌بیند، اما نمی‌تواند جلال آن‌سوی آن را مشاهده کند. فرشتگان چهار باد را نگاه داشته‌اند، که به اسبی خشمگین تشبیه شده است که می‌کوشد خود را رها سازد و بر سراسر روی زمین بتازد و در مسیر خود خرابی و مرگ به بار آورد.»

«آیا بر همان آستانه جهان جاودان به خواب خواهیم رفت؟ آیا کُند و سرد و مرده خواهیم بود؟ آه، کاش در کلیساهای ما روح و نفس خدا در قوم او دمیده شود، تا بر پای‌های خود بایستند و زنده شوند. ما نیاز داریم ببینیم که راه تنگ است و دروازه باریک. اما هنگامی که از دروازه تنگ می‌گذریم، فراخی آن بی‌حد و حصر است.» Manuscript Releases، جلد 20، 217.

«آن مسح‌شدگانی که در حضور خداوند تمام زمین ایستاده‌اند، همان مقامی را دارند که روزگاری به شیطان، به‌عنوان کروی سایه‌گستر، عطا شده بود. خداوند به‌واسطه موجودات مقدسی که گرداگرد تخت او را احاطه کرده‌اند، پیوسته با ساکنان زمین در ارتباط است. روغن زرین نمایانگر آن فیضی است که خدا به‌وسیله آن چراغ‌های ایمانداران را فراهم و پرنگه می‌دارد تا سوسو زنند و خاموش نگردند. اگر این روغن مقدس، در پیام‌های روح خدا، از آسمان فرو ریخته نمی‌شد، عوامل شرارت به‌طور کامل بر انسان‌ها تسلط می‌یافتند.»

«خدا زمانی بی‌حرمت شمرده می‌شود که پیام‌هایی را که برای ما می‌فرستد دریافت نکنیم. بدین‌سان، آن روغن زرین را که او می‌خواهد در جان‌های ما بریزد تا به کسانی که در تاریکی‌اند رسانیده شود، رد می‌کنیم. هنگامی که این ندا برخیزد: "اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون آیید"، آنان که روغن مقدس را دریافت نکرده‌اند و فیض مسیح را در دل‌های خود گرامی نداشته‌اند، همچون باکره‌های نادان خواهند یافت که برای ملاقات خداوند خویش آماده نیستند. آنان در خود قدرتی ندارند که آن روغن را به دست آورند، و زندگی‌هایشان تباه می‌شود. اما اگر روح‌القدس خدا درخواست شود، اگر التماس کنیم، چنان‌که موسی کرد، "جلال خود را به من بنما"، محبت خدا در دل‌های ما ریخته خواهد شد. از طریق لوله‌های زرین، آن روغن زرین به ما منتقل خواهد شد. "نه به قدرت و نه به قوت، بلکه به روح من، یهوه صباوت می‌گوید." با دریافت پرتوهای درخشان آفتاب عدالت، فرزندان خدا همچون نورها در جهان می‌درخشند.» Review and Herald, July 20, 1897